

درس خارج  
فقه نظام عمران شهری  
جلسه ۲۰ (حریم ۶)

۹۴/۰۲/۲۴

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

بحث در مطلب هشتم از مطالب مربوط به کلیات اصولی است که باید در فقه عمران شهری از نظر منابع دینی و فقهی رعایت شود. مطلب هشتم لزوم رعایت حریم در راه‌ها و ساختمان‌هاست. ما بحث حریم را در چند بخش مطرح می‌کنیم؛ در بخش اول بحث ما درباره اصل لزوم رعایت حریم است. روایات زیادی درباره حریم وارد شده است که حریم خانه، حریم مسجد، حریم چاه‌ها و چشمه‌ها، حریم نمازگزار، حریم مؤمن، حریم درخت، حریم نهر، حریم راه و حریم محل نگهداری چارپایان از جمله آن‌هاست. در این مسائل روایات زیادی وارد شده است و در وسائل الشیعه تحت این عنوان بابتی وجود دارد و در فقه برای مسئله حریم اشیاء متعدد احکام خاصی وجود دارد. باب ۱۱ از ابواب احیای موات وسائل الشیعه تحت این عنوان است: باب حد التحريم البئر والعين والطريق والمعدن والنازحه والنهر والمسجد والمؤمن. یعنی از معصوم علیه السلام یک باب درباره حریم این چیزها روایت آمده است. بنابراین به‌طور کلی مسئله حریم و رعایت آن در فقه ما مطرح شده و روایات زیادی درباره حریم وارد شده است.

قبلاً روایات حریم مسجد را مطرح کردیم که حریم مسجد به چه معناست؛ بحث شد که جوار و حریم مسجد «حَرِيمَ الْمَسْجِدِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعاً مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ» است؛ یعنی چهل ذراع حریم مسجد است. البته مقصود این است که این مقدار حداقل حریم مسجد است. پس نباید در دور مسجدی که ساخته می‌شود چیزی باشد و مسجد باید حریم داشته باشد، نباید ساختمان‌ها و راه‌ها به مسجد چسبیده باشد و هیچ فاصله‌ای بین مسجد و خانه‌های دیگر وجود نداشته باشد. مسجد باید حداقل چهل ذراع که حدود بیست متر می‌شود حریم داشته باشد.

آنچه امروز بحث می‌کنیم این ملاک‌های حریم است. بحث این را انجام می‌دهیم تا ادامه بحث را در جای دیگر مطرح کنیم. حریم‌ها دو نوع است؛ یک حریم‌هایی که در شرع مقدار آن‌ها معین شده است مانند حریم مسجد که اربعون ذراعاً درباره آن آمده است، یا «وَحَرِيمَ الْمُؤْمِنِ فِي الصَّيْفِ بَاعٌ» که وقتی کنار مؤمن در تابستان می‌نشینند نباید کسی خود را به او بچسباند و حداقل باید یک باع یعنی تقریباً بیش از نیم ذراع -تقریباً دو وجب- فاصله داشته باشد. پس وقتی در تابستان کنار هم می‌نشینند یا مخصوصاً در مساجد باید به این شکل باشد. اینکه گفته‌اند جای خالی را پر کنید در صورتی است که جای خالی وجود داشته باشد [نه اینکه همه به هم بچسبند]. یک وجب جای مؤمن است که باید حفظ شود. به هر حال وقتی کسی به نماز می‌ایستد باید یک فاصله‌ای بین او و دیگری برقرار باشد. منظور این است که حتی بر روی حریم شخصی که در مجلس

می‌نشینند هم باید دقت شود. پس طبق این حرف وقتی مثلاً می‌خواهید مسجد بسازید باید حریم آن و راه‌ها حساب شود و اگر مثلاً مسجد برای هزار نفر است باید طوری ساخته شود که برای هزار نفر با حریم آن جا باشد و علاوه بر جای شخصی که می‌خواهد در مسجد بنشینند حریم شخص دیگر هم ملاحظه شود.

در بحث حریم دو نوع روایت وجود دارد یک سری روایاتی که حد حریم را از نظر شرعی معین کرده است مانند حریم مؤمن و حریم مسجد و یک سری روایات دیگر وجود دارد که در آن‌ها حریم معین نشده است یا باید گفت که مقیاس‌های متعددی برای حریم آن‌ها آمده است؛ یعنی در یک روایتی آمده است که حریمش به این مقدار است و در روایت دیگری آمده است که حریم کمتر یا بیشتری دارد. مثلاً نسبت به حریم تربت سیدالشهدا علیه السلام که این تربت قبر ایشان که آثار شرعی متعددی دارد - هم اثر شفا و هم اثر استحباب سجده دارد - روایات متعدد است و از سبعین ذراعاً وارده شده است که مثلاً حریم قبر ایشان هفتاد ذراع است تا سه مایل در سه مایل که آن هم روایت شده است. پس نسبت به شرایط، حریم آن چیز باید رعایت شود.

در برخی از روایات حد معین یا حداقل و حداکثری آمده است و در برخی دیگر اصلاً حد خاصی وارد نشده است. طبق استقرای غیر تامی که بنده انجام دادم حداقل برای دوازده چیز در روایات حریم وارد شده است که باید رعایت شود؛ از خانه و مسجد و چاه و چشمه و نمازگزار و نخل و نهر و حریم الحسین علیه السلام و حریم الطریق و حریم المعطن. اولاً ما از این تعدد حریم برای اشیاء استفاده می‌کنیم که این چنین نیست که خصوص این موارد حریم داشته باشد بلکه حریم برای هر شیئی است که یک منفعتی از او برده می‌شود یا وضع برای یک نحو انتفاع خاصی شده است. به هر حال هر شیئی یک منفعتی دارد و از خانه، مسجد و راه هر کدام به یک شکل بهره‌برداری می‌شود. از روایات دیگری که به آن‌ها اشاره خواهیم کرد استفاده می‌شود که اولاً باید این حریم طوری تنظیم شود - آنجایی که حد معینی برای حریم نیامده است - که امکان استفاده شایسته از آن شیء فراهم شود.

مثلاً در روایت آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَرِيمُ النَّخْلَةِ طَوْلُ سَعْفِهَا.»<sup>۱</sup>

حریم هر نخلی سعف آن نخل است؛ یعنی برگ درخت خرما اندازه حریم اوست.

از این استفاده می‌کنیم که مطلق درخت به این شکل است و ما از آن اطلاق خصوصیت می‌کنیم. پس معلوم می‌شود که هر درختی به این شکل است و حریم آن شاخ و برگ آن است. مثلاً در روایت آمده است که اگر درختی در خانه کسی است و شاخ و برگ آن در خانه همسایه است هرکجا این شاخ و برگ رفته است حریم

درخت شخص ساحل درخت است و معلوم می‌شود که اگر خانه و باغی در نظر گرفته شود باید بُرد درخت‌ها و شاخه‌های آن حریم باغ حساب شود؛ یعنی شخص دارای این نخل و درخت می‌تواند از این حریم درخت بهره‌برداری کند. وقتی بیان می‌کنند که اگر این زمین را احیا کردی این زمین متعلق به تو می‌شود پس اگر باغی در آن کاشتی حال که ملک تو شده است و تا جایی که برگ درخت می‌رسد مشمول احیای حق توست. این معنای حریم است که وقتی من درختی را کاشتم اثر احیای من بر زمین بار می‌شود و تملک آن زمین است و این چنین نیست که تنها محل رویش این درخت تملک شود بلکه محل رویش ملک می‌شود و آن شعاعی که شاخه این درخت به آن خواهد رسید هم جزء تملیک است. آن وقت این موضوع در مسئله ساختمان‌سازی اثر دارد. پس در مسئله عمران شهری ما باید حریم‌ها را رعایت کنیم.

ما از این روایت استفاده می‌کنیم که حریم اختصاص به این اشیاء خاص ندارد و باید حریم هر چیزی که وضع برای استفاده خاصی شده است و استفاده از آن شیء متوقف بر استفاده از آن حریم است رعایت شود. حال اگر کسی بخواهد از درخت استفاده کند باید از سایه درخت هم استفاده کند. پس تصرف در زمین لازمه انتفاع از این درخت است. این مقدار حریم این درخت می‌شود به دلیل اینکه انتفاع و بهره‌برداری از این درخت متوقف بر انتفاع و بهره‌برداری از این محدوده است. اگر بیان کرده‌اند که کاشت درخت و احیای زمین موجب تملک زمین می‌شود یعنی نه تنها موجب تملک آن زمینی می‌شود که آن درخت بر روی آن رویده است بلکه آن ملزومات و تبایع استفاده و بهره‌برداری از درخت را نیز شامل می‌شود. این یک ضابطه است یعنی یک ضابطه برای حریم این است که حریم هر شیئی آن محدوده‌ای که است که انتفاعی از آن شیء متوقف بر انتفاع آن حریم باشد.

نکته دیگر این است که انتفاع کسی از آنچه ملک خود اوست نباید به انتفاع دیگری آسیب بزند؛ یا اگر دو بهره‌بردار می‌خواهند از ملک خود بهره‌برداری کنند در اینجا برای هر یک از دو ملک یک حریمی وجود دارد که آن هم حریم عدم اضرار است؛ یعنی وقتی کسی می‌خواهد از حریم یا چاه خود استفاده کند باید حریم آن مشخص باشد. به دلیل اینکه حریم چاه هم در روایات آمده است؛ مثلاً اربعون یا خمسون و تا هزار ذراع هم آمده است. از این روایات استفاده می‌کنیم که ارض رخوه با ارض صلبه فرق می‌کند یعنی حریم چاه در زمین نرم و سفت با یکدیگر فرق می‌کند. همه این‌ها آمده است و در برخی از روایات حد، حد عدم اضرار بیان شده است؛ یعنی اگر کسی چاهی زده است و از آن استفاده می‌کند کسی دیگری که می‌خواهد چاه دیگری بزند نباید در محدوده حریم چاه اول باشد. پس اگر دیگری می‌خواهد چاه بزند نباید در محدوده‌ای چاه بزند که حریم چاه اول باشد زیرا به آن ضرر می‌رساند و امکان استفاده را از آن کسی که قبل از او چاه زده است را می‌گیرد. حتی در آسیاب‌ها که در سابق بوده است و از آن‌ها برای آسیاب کردن گندم استفاده می‌کردند که در آن می‌آمدند

در مجرای آب آسیاب می‌ساختند هم به همین شکل است. حال اگر دیگری می‌خواست آسیابی ایجاد کند نباید به آسیاب اول ضربه وارد شود.

روایت اول در این باب به این شکل است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَالٍ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام (امام حسن عسکری عليه السلام) رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاةٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَحْفَرَ قَنَاةً أُخْرَى إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كَمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي الْبُعْدِ حَتَّى لَا تُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ صُلْبَةً أَوْ رَحْوَةً فَوَقَعَ عليه السلام عَلَى حَسْبٍ أَنْ لَا تُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»<sup>۲</sup>

کسی در ده‌ای قناتی دارد، فردی دیگر در ده دیگری و با فاصله‌ای از او می‌خواهد قناتی بکند. پس دو ده است که یکی قنات به ده خود کشیده است و دیگری هم می‌خواهد در ده خود قنات بکشد. - حال در ارتکاز سائل این معناست که باید فاصله بین این قنات‌ها رعایت شود. - سؤال می‌کند که چقدر فاصله را باید رعایت کند؟ حضرت می‌فرماید: در زمین سفت یا نرم فرق می‌کند. پس پرسید: در زمین سفت چقدر و در زمین نرم چقدر باید رعایت شود؟ حضرت فرمود: به مقداری که ضرر به دیگری نزند. در اینجا تطبیقی برای قاعده «لا ضرر» است. در حقیقت این نوعی تطبیق است و استفاده می‌شود که قاعده لا ضرر در مطلق اشیایی که نیاز به حریم دارند باید رعایت شود. پس در حریم نه تنها مکان ارتفاع از خود آن شیء باید رعایت شود بلکه باید یک حریمی گذاشته شود که امکان استفاده از شیء را میسر کند. علاوه بر این باید به شکلی باشد که ضرر به ارتفاع دیگری از آنچه به اختیار اوست هم نزند.

یکی از چیزهایی که باید رعایت شود و در روایات هم به صورت متعدد آمده است «حریم الطريق» است یعنی راه طریق دارد؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید که جایی که مسیر راه مردم است فلان مقدار برای آن کافی است و کنار آن مسیر ساختمان بسازد. درست است که این مسیر مثلاً هفت متر است اما این مسیری که مردم در آن راه می‌روند یک لوازمی دارد. زیرا ممکن است گاهی شلوغ شود یا کسی می‌خواهد حرکت کند اما بار بر دوش دارد حال اگر در مرز این راه ساختمان‌سازی شود این ساختمان مزاحم این شخصی است که می‌خواهد از این راه استفاده کند. پس حریم باید رعایت شود. لذا کار این فروشندگانی که در راه می‌آیند و جنس‌هایی خود را در راه می‌گذارند مشروع نیست.

بنده در خاطر دارم که در قدیم متدینین در داخل مغازه یک مقدار داخل رفته و جنس خود را آنجا می گذراند یعنی نه تنها در بیرون از مغازه نمی گذاشتند بلکه داخل می بردند که اگر مشتری آمد ناچار نباشد برای خرید و فروش مزاحم کسانی شوند که می خواهد از این مغازه چیزی بخرند.

پس وقتی می خواهند راه طراحی کنند و در کنار آن ساختمان بسازند باید برای ساختمان حریم در نظر بگیرند. یعنی راه باید حریم داشته و ساختمان با یک فاصله معتبری از این ساخته شود. پیاده رو برای یک خیابان حریم حساب نمی شود به دلیل اینکه پیاده رو هم راه است و برای پیاده رو هم باید حریم رعایت شود. اولاً خیابان باید به میزان نیاز مردم برآورده شود؛ این شهر چقدر آدم دارد و از این راه چقدر انسان عبور می کند پس به تناسب باید حریم آن رعایت شود. همان طور که این بحث قبلاً مطرح شد باید سعه طریق رعایت شود. حال اگر این راه سواره رو است و ما هم پیاده روی آن را مشخص کردیم آن هم راه است و حریم سواره رو حساب نمی شود بلکه باید یک فاصله بین پیاده رو و سواره رو رعایت شود علاوه بر این باید یک حریمی هم نسبت به ساختمان ها رعایت شود. ما از مجموع روایات این استفاده را می کنیم مخصوصاً این روایاتی که به وسیله «لا تضر» حصر شده است.

روایت دیگری در این باب آمده است:

«عَلَيْهِ بَنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَا بَيْنَ بَيْتِ الْمَعْطَنِ إِلَى بَيْتِ الْمَعْطَنِ أَرْبَعُونَ ذِرَاعاً وَ مَا بَيْنَ بَيْتِ النَّاضِحِ إِلَى بَيْتِ النَّاضِحِ سِتُونَ ذِرَاعاً وَ مَا بَيْنَ الْعَيْنِ إِلَى الْعَيْنِ يَغْنِي الْفَنَاءَ خَمْسِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَ الطَّرِيقُ يَتَشَاخُ عَلَيْهِ أَهْلُهُ فَحَدُّهُ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ»<sup>۳</sup>

بین چاه معطن و چاه دیگر حداقل باید چهل ذراع فاصله باشد. -این موضوع را بعداً توضیح خواهیم داد که چاه ها متفاوت هستند؛ چاه خانه، چاه زمین کشاورزی، چاه برای نگهداری آب حیوانات- همچنین بین یک چشمه و چشمه دیگر باید پانصد ذرع رعایت شود. شاهد بحث این قسمت است: «وَ الطَّرِيقُ يَتَشَاخُ عَلَيْهِ أَهْلُهُ فَحَدُّهُ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ» راهی که اهل این راه بر سر آن نزاع دارند حداقل باید هفت ذراع باشد که این حداقل راه است. منظور از طریق هم راه کوچه ای است یعنی نمی توان کوچه را کمتر هفت ذرع در نظر گرفت.

در این روایات که حد معین شده است ما به حد آن عمل می کنیم و در روایاتی که حد نیامده است به این دو ضابطه عمل می شود؛ یکی امکان انتفاع و بهره برداری از آن شیئی که باید حریم داشته باشد و دیگری عدم اضرار شخص دیگر که او هم باید از محل استفاده خود بهره برداری کند. این همه آن چیزی است که باید در این زمینه بحث شود. البته تفاسیری در این زمینه وارد شده است را در جلسه بعدی بیان خواهیم کرد.

پس از این تعدد عناوینی که در حد آمده است عدم خصوصیت برای این عنوان‌ها، متوجه می‌شویم که هر شیئی که قابل استفاده باشد اگر استفاده او دایره حریمی دارد باید آن حریم رعایت شود.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم